

موانع حضور زنان در حکومت‌ها

عنوان و نام پدیدآور: موانع حضور زنان در حکومت‌ها/ویراسته آوری الیزابت هرت؛ ترجمه مهسا ملک‌مرزبان.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۳۰ ص.
فروست: دیدگاه‌های جهانی؛ ۱.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۳۴۶-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Gender diversity in Government, C2020.
موضوع: زنان — فعالیت‌های سیاسی
موضوع: Women--Political activity
موضوع: زنان سیاستمدار
موضوع: Women legislators
موضوع: زنان نماینده مجلس
موضوع: Women legislators
شناسه افزوده: هارت، ایوری الیزابت، ویراستار
شناسه افزوده: Hurt, Avery Elizabeth
شناسه افزوده: ملک‌مرزبان، مهسا، ۱۳۵۳-، مترجم
رده‌بندی کنگره: HQ۱۲۳۶
رده‌بندی دیویی: ۳۲۰/۰۸۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۴۳۳۴۷

دیدگاه‌های جهانی - ۱

موانع حضور زنان در حکومت‌ها

ویراستهٔ آوری الیزابت هرت

ترجمهٔ مهسا ملک‌مرزبان



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Global Viewpoints
Gender Diversity in Government
Book Editor: Avery Elizabeth Hurt
Greenhaven Publishing, 2020



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶ ۴۰ ۸۶ ۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات قنوس

ویراسته‌آور یلیزابت هرت

موانع حضور زنان در حکومت‌ها

ترجمه مهسا ملک‌مرزبان

چاپ اول

۷۷۰ نسخه

۱۴۰۰

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۳۴۶-۳

ISSN: 978-622-04-0346-3

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۴۵۰۰ تومان

فهرست

پیشگفتار.....	۱۱
مقدمه.....	۱۵

بخش اول: تنوع جنسیتی در حکومت‌های سراسر دنیا

۱. در آفریقا، زنان در مبارزه برای برابری با مواع زیادى مواجه‌اند.....	۲۰
جومیسای موتوم زنان آفریقایی در سال‌های اخیر گام‌های مهمی به سمت برابری جنسیتی برداشته‌اند، اما هنوز با موانع جدی مواجه‌اند، از جمله فقر و نبود فرصت‌های آموزشی.	
۲. در آمریکای لاتین فعالان اجتماعی معتقدند ورود هرچه بیشتر زنان به جنبش حکومت باز باعث پیشرفت اهداف همه زنان می‌شود.....	۳۳
یامیلا گارسیا و ورونیکا آلوارز اگر زنان بیشتری از ملت‌های گوناگون درگیر جنبش حکومت باز شوند، اوضاع برای زنان در همه‌جا بهتر می‌شود.	
۳. در رواندا، زنان پیام‌های متناقضی درباره رهبری دریافت می‌کنند.....	۴۰
گرگوری وارنر با این‌که زنان رواندایی در بدنه حکومت اکثریت را تشکیل می‌دهند، در خانه و زندگی شخصی حرفشان خریدار ندارد.	
۴. در عربستان سعودی، پاکستان و افغانستان، زنان گرگ بیرون هستند و بره خانه.....	۵۲
جسالدین آلن در این دیدگاه، نویسنده به بررسی این موضوع می‌پردازد که چرا زن‌های کشورهای مسلمان در جامعه و زندگی شخصی با این حجم از تبعیض و حتی خشونت مواجه می‌شوند، با این‌که در حکومت به شکل عجیبی صاحب موقعیت بالایی هستند.	

۵. در سراسر غرب، آینده کار نیازمند تنوع و فراگیری است..... ۶۵

دیوید کرویک‌شانک

نویسنده در این مقاله می‌گوید که ایجاد فضای کاری متنوع و فراگیر منجر به این می‌شود که زنان بیشتری در اروپا و ایالات متحده به سمت نقش رهبری بروند، چه در دولت و چه در تجارت.

بخش دوم: علل و آثار تنوع جنسیتی

۱. رایج‌ترین بهانه‌ها برای نداشتن رهبران زن ساختگی است..... ۷۴

کیم آزاری و دینا باس

همیشه دلایل زیادی برای نبود رهبران زن بیشتری در دنیا مطرح می‌شود، اما بیشتر آن‌ها ساختگی است.

۲. پیام‌های مذهبی می‌تواند روی حمایت از برابری جنسیتی در ملت‌های

سراسر دنیا تأثیرگذار باشد..... ۷۹

مجموعه نشست‌ها

این دیدگاه مجموعه نشست‌هایی را بررسی می‌کند که شرکت‌کنندگان در آن درباره نقش پیام‌های مذهبی در ایجاد جوامع مردسالار صحبت کرده‌اند.

۳. در ایالات متحده، قوانین یک بام و دو هوا و نظام سیاسی ویژه مانعی

بر سر راه برابری جنسیتی در رهبری جامعه است..... ۸۶

لورا لیزوود

چه عواملی ایالات متحده را از انتخاب اولین رئیس‌جمهور زن خود در سال ۲۰۱۶ بازداشت؟

۴. در ایالات متحده، تنوع جنسیتی در حکومت از پایین به بالا در

حال رشد است..... ۹۲

دانیله کورتزلبین

ایالات متحده یک زن را به ریاست‌جمهوری انتخاب نکرد، با این‌که زنان در سطوح پایین‌تر حکومت ایالات متحده به‌خوبی نقش ایفا می‌کنند.

۵. در هند، رهبران زن برآمده از خاندان‌های سیاسی هستند، اما این ممکن

است متغیر باشد..... ۱۰۰

بانوی موفق

در بسیاری از جوامع آسیایی و خاورمیانه‌ای، غالباً زنانی به قدرت می‌رسند که از اعضای یک خاندان سیاسی باشند.

۶. کلیشه‌سازی جنسیتی در آسیا به انتخاب برخی زنان کمک می‌کند..... ۱۱۲

مارک آر. تامپسون
در جوامع آسیایی گاهی کلیشه‌های موجود درباره زنان واقعاً به پیروزی آن‌ها در انتخابات کمک می‌کند.

بخش سوم: جنسیت‌گرایی و تنوع جنسیتی در حکومت

۱. در ایالات متحده، تبعیض جنسیتیِ روشمند سدّ راه انتخاب رئیس‌جمهور زن می‌شود..... ۱۲۰

دانشگاه رایس
شکست انتخاباتی هیلاری کلinton در سال ۲۰۱۶ به احتمال زیاد به دلیل تبعیض جنسیتی سازمان‌یافته در فرهنگ آمریکا بوده است.

۲. در استرالیا، جنسیت‌گرایی در سیاست توانست زنان را نسبت به رقابت در انتخابات مردد کند..... ۱۲۷

آوری پول
رأی‌دهندگان زن می‌گویند خواهان برابری هستند، اما میلی به رأی دادن به داوطلبان زنان ندارند. فضای فراگیر جنسیتی زنان کارآمد را از رسیدن به قدرت باز می‌دارد.
۳. در ایالات متحده، نامزدهای زن غالباً می‌کوشند تا بر رأی‌دهندگان زن پیروز شوند... ۱۳۳

پگی درکسلر
زنان برای چیزهایی مثل ظاهرشان و پیروی از تفکر سنتی زنانه مورد قضاوت‌های سختگیرانه‌تری قرار می‌گیرند که ربطی به انتخاب شدنشان ندارد.

۴. در ایالات متحده، دیدگاه‌ها درباره زنان عرصه سیاست به جنسیت ربط دارد..... ۱۳۹

دورا کوهن و گرچن لیوینگستون
هم زنان و هم مردان در ایالات متحده می‌گویند که دوست دارند به یک کاندیدای ریاست جمهوری زن رأی بدهند. اما دیدگاه‌هایشان درباره ویژگی‌های داوطلبان زن نسبتاً با هم متفاوت است.

۵. در ایالات متحده، جنسیت‌گرایی پنهان روی انتخابات ریاست جمهوری تأثیر گذاشت..... ۱۴۴

دنیل بوش
یک روزنامه‌نگار به قلب آمریکا می‌رود تا حس واقعی مرد‌ها را درباره کاندید شدن

۸ / موانع حضور زنان در حکومت‌ها

هیلاری کلinton دریايد. یافته‌های او با چیزی که خیلی‌ها شاید توقع داشته باشند تفاوت‌های ظریفی دارد.

۶. در انگلستان، زنان سیاستمدار نه فقط با توهین، که با خشونت هم مواجه می‌شوند..... ۱۵۵

مونا لئا کروک

شبکه‌های اجتماعی مسیرهای تازه‌ای برای آزار سیاستمداران زن گشوده‌اند. در معرض خشونت قرار گرفتن کاندیداهای زن چه تأثیری بر دموکراسی می‌گذارد؟

۷. در آمریکای لاتین، رسانه‌ها به تصویرسازی جنسیتی از رهبران زن دامن می‌زنند..... ۱۶۴

رئیس فریزر

تصویرسازی‌های جنسیتی رسانه از رهبران زن در آمریکای لاتین تأثیرات منفی بر کار آن‌ها و توانایی رهبری‌شان می‌گذارد.

بخش چهارم: نگاهی به آینده

۱. در انگلستان، برای آوردن زنان به حوزه سیاست سهمیه‌هایی لازم است..... ۱۸۲

الکساندرا تاپینگ و جسیکا الگوت

زنان از حوزه‌های بسیار متفاوت درباره چگونگی گسترش برابری جنسیتی در سیاست حرف می‌زنند. نیکولا استورجن، نخست‌وزیر اسکاتلند مدافع این سهمیه‌هاست.

۲. وجود کابینه‌ای با اکثریت زنان در اسپانیا نویدبخش آینده‌ای است بهره‌مند از حکومت‌هایی مبتنی بر برابری جنسیتی در سرتاسر جهان..... ۱۸۹

سوزان فرانکیشت و کارن پکویت

وقتی چند زن به مناصب بالای مدیریتی منصوب می‌شوند، زنان بیشتری برای پست‌های سیاسی پایین‌تر انتخاب می‌شوند.

۳. دموکراسی نیازمند آن است که زنان در قانون‌گذاری مشارکت داشته باشند..... ۱۹۵

میچل باچله

رئیس‌جمهور سابق شیلی در میزگرد دموکراسی و برابری جنسیتی تأکید می‌کند که دموکراسی منوط به مشارکت زن‌هاست.

۴. در اروپا برابری جنسیتی برای بقای دموکراسی مدرن ضروری است ۲۰۲

لابی زنان اروپایی

یک سمینار درباره نمایندگی زنان در اروپا به بررسی چگونگی جذب بیشتر زنان و اقلیت‌های جنسی و مذهبی در حکومت می‌پردازد.

۵. در رواندا، بعد از نسل‌کشی، بیوه‌ها قدرت را در دست می‌گیرند ۲۱۱

کریس مک‌گریل

گفتگوهایی با زنانی که از جنگ داخلی رواندا نجات یافته و به قدرت سیاسی رسیده‌اند، در حالی که امیدوارند بتوانند جلو نسل‌کشی دیگری را بگیرند.

برای بحث بیشتر ۲۱۹

نهادهایی برای برقراری ارتباط ۲۲۱

کتاب‌شناسی ۲۲۵

نمایه ۲۲۷

پیشگفتار

مشکلات تمام بشریت را فقط تمام بشریت می‌تواند حل کند.
فریدریش دورنمات، نویسندهٔ سوییسی

وابستگی متقابل جهانی واقعیتی انکارناپذیر شده است. رسانه‌های جمعی و فناوری دسترسی همگان را به اطلاعات افزایش داده و جامعه‌ای از شهروندان جهانی پدید آورده است. درک و هدایت این جامعهٔ جهانی چالشی است که میزان بالایی از سواد اطلاعاتی و سطح نوینی از مهارت یادگیری می‌طلبد.

انتشارات گرین‌هون بر اساس موفقیت مجموعه‌های قبلی خود مجموعهٔ دیدگاه‌های جهانی را منتشر کرده تا زمینهٔ وسیعی از موضوعات روز و غالباً بحث‌انگیزی را، که اهمیت بین‌المللی دارند، از دیدگاه‌های مختلفی در جهان بررسی کند. اطلاعات مورد نیاز دانشجویان و سایر خوانندگانی که خواهان ارتباطات جهانی هستند و دیدگاه انتقادی به پیامدهای جهانی دارند در آن فراهم شده است، هر مجلد دیدگاه‌های جهانی نگاهی گسترده از موضوعی که برای دنیا اهمیت دارد ارائه می‌دهد. مواد مخدر، قحطی، مهاجرت — اصلاح امور اجتماعی، زیست‌محیطی، سلامتی، سیاسی و نظایر این‌ها رفتاری همه‌جانبه و بین‌المللی می‌طلبد. دانش‌آموزان راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی و به طور کلی تمام کتابخوان‌ها می‌توانند از مجموعهٔ دیدگاه‌های جهانی بهره بگیرند تا پیچیدگی‌های مرتبط با هر موضوع را دریابند. با خواندن این کتاب می‌توانید دیدگاه‌های خاص ملی را بررسی کنید و در عین حال آن پیوند درونی را بشناسید که اولویت‌های جهانی برای تمام ملت‌ها و فرهنگ‌ها به بار می‌آورد.

اطلاعات موجود در هر مجلد از منابع وسیعی از جمله نشریات، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌های غیرداستانی، سخنرانی‌ها، اسناد دولتی، مقالات، نشریات داخلی سازمان‌ها و بیانیه‌های راهبردی به دست آمده است. دیدگاه‌های جهانی حقیقتاً جهانی است، چون مطالب ارائه‌شده در آن عمدتاً برگرفته از منابع بین‌المللی موجود به زبان انگلیسی و سپس از منابع آمریکایی است که به صورت بین‌المللی منتشر شده است. مقالات هر مجلد مجموعه دیدگاه‌های جهانی شامل موارد زیر است:

- فهرست محتوایی همراه با شرح و توضیحات مکمل که خلاصه‌ای مجمل از مقالات موجود در مجلد فراهم می‌آورد، شامل نام کشور یا منطقه مورد بحث در مقاله.
- مقدمه‌ای ویژه عنوان آن مجلد.
- نقشه جهان برای کمک به خوانندگان که کشورها یا مناطق مورد بحث در مقالات را بیابند.
- برای هر دیدگاه، مقدمه‌ای شامل یادداشت‌هایی درباره نویسنده و منبع دیدگاه هست که توضیح می‌دهد چرا مطالبی از کشوری خاص ارائه شده، نکات عمده هر دیدگاه خلاصه شده و سه سؤال هدفمند در آن مطرح شده تا به درک و تفهیم بهتر متن کمک کند.
- برای بحث بیشتر سؤالاتی است که موجب تفکر انتقادی می‌شود و از خواننده می‌خواهد جنبه‌های دیدگاه‌ها را مقایسه و مقابله کند یا درباره منظرها و بحث‌ها به نتیجه‌گیری برسد.
- فهرستی جهانی از سازمان‌ها برای ارتباط خوانندگان در صورت بروز سؤالات و کسب اطلاعات بیشتر ارائه شده است.
- فهرستی از نشریات برای هر فصل و یک کتاب‌شناسی کلی درباره موضوع مجلد فراهم شده که برای تحقیقات بیشتر می‌تواند کمک‌کننده باشد.

- یک نمایه موضوعی منسجم برای دسترسی به افراد، مکان‌ها، حوادث و موضوعات مطروحه در متن ارائه شده است.

مجموعه دیدگاه‌های جهانی برای طیف وسیع خوانندگانی طراحی شده که می‌خواهند درباره حوادث جاری، تاریخ، علم سیاست، دولت، روابط بین‌الملل، اقتصاد، علوم زیست‌محیطی، فرهنگ‌های دنیا و جامعه‌شناسی بیشتر بیاموزند — دانشجویانی که برای ارائه مقالات یا بحث‌های کلاسی تحقیق می‌کنند، استادها و دانشکده‌هایی که مطالب مکمل واحدهای درسی لازم دارند و کسانی که می‌خواهند موضوعات روز جهان را بهتر بفهمند. این مجموعه، با معرفی درک و بینش مردم کشورهای مختلف از دلایل ریشه‌ای و پیامدهای جاری آن و ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی برای چالش‌های جهانی، به خواننده فرصت می‌دهد تا آگاهی جهانی و اطلاعات خود را از فرهنگ‌های دنیا افزون کند.

مقدمه

روزنه امید ما این جاست که زنان همه جای دنیا برای رسیدن به عالی‌ترین منصب‌ها به شکل قابل ملاحظه‌ای پیشرفت کرده‌اند. این پیشرفت ادامه می‌یابد و پایدار می‌شود، همچنان‌که زنان بیشتری می‌بینند چنین امری ممکن و دست‌یافتنی است. لورا لیزوود، مجمع جهانی اقتصاد^۱

در سال ۲۰۱۷، زنان ۲۳ درصد کرسی‌های مجلس سراسر دنیا را در اختیار داشتند. از سال ۲۰۱۸، در میان ۱۹۳ کشور، بیست زن در کشورهای خود به بالاترین مقام‌های دولتی (رئیس حکومت یا رئیس دولت) رسیدند. برخی کشورها حکومتی با تنوع جنسیتی بیشتری نسبت به سایر کشورها دارند که شاید از شنیدن نامشان تعجب کنید. ملل اروپای شمالی پای انتخاب رهبران زن یا افرادی متعلق به گروه‌های خاص که به میان می‌آید رفتار درستی نشان می‌دهند. در رتبه‌بندی ملل دنیا بر اساس درصد حضور زنان در پارلمان، سوئد رتبه هفتم را داشت، فنلاند یازدهم و نروژ سیزدهم بود. در کشورهای جنوبی‌تر اروپا، فرانسه رتبه چهاردهم و اسپانیا با اختلاف کمی در مرتبه شانزدهم ایستاد. انگلستان بسیار پایین‌تر و در رتبه سی‌وهشتم این فهرست و آلمان چهل‌وششم بود. در این طرف دنیا تصویر به هم ریخته شده. کانادا رتبه شصتم، و ایالات متحده بخش‌های انتهایی فهرست یعنی مقام ۱۰۴ را به خود اختصاص داد، اما کوبا در رتبه دوم ماند، بولیوی سوم شد، مکزیک در مقام چهارم نشست و گرنادا رتبه پنجم را مال خود کرد. دو کشور آفریقایی رتبه‌های بالای شش را به دست آوردند، نامیبیا جایگاه ششم و رواندا جایگاه یکم را کسب کرد.

۱. یکی از سازمان‌های بزرگ اقتصادی سویس است، که در سال ۱۹۷۱ راه‌اندازی شد و سالانه بیش از ۸۰ میلیون دلار درآمد دارد. — م.

ظاهراً که اوضاع روبه بهبود است. در نوامبر ۲۰۱۸ آمریکایی‌ها تعداد بی‌سابقه‌ای از زنان را به کنگره فرستادند و یکصدوشانزدهمین کنگره آمریکا با بیشترین جمعیت قانون‌گذار زن در تاریخ ایالات متحده تشکیل شد. زنان بیشتری هم در غالب دفاتر محلی و ایالتی در رأی‌گیری شرکت کردند. (داوطلبان سایر گروه‌ها هم رفتار بسیار مناسبی نشان دادند.) اما با وجود این اتفاق مهم، اگر زن‌ها می‌خواهند به نسبت جمعیتشان جایگاهی در حکومت داشته باشند و حرفشان شنیده شود راه درازی در پیش دارند.

زنان تا این‌جا حدود ۲۳ درصد کرسی‌های مجلس نمایندگان آمریکا، و تقریباً همین درصد را در سنا تصاحب کرده‌اند. این عددها برای قانون‌گذاران ایالتی متفاوت است، اما در سراسر کشور تقریباً زیر یک‌چهارم از این صندلی‌ها متعلق به زنان است. این عددها از لحاظ تاریخی واقعاً شگفت‌انگیز و ضمناً به شکل خوفناکی پایین است. زن‌ها تقریباً نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند. پس چرا برای کسب یک‌چهارم از صندلی‌های هیئت‌های محاکمه دنیا می‌جنگند؟ چرا بسیاری از ملت‌ها — اغلب ملل ثروتمندتر و با سابقه دموکراسی طولانی‌تر — نمی‌توانند هیئت‌های نمایندگی‌ای انتخاب کنند که واقعاً نماینده جمعیتشان باشد؟

نویسندگان مقالات در دیدگاه‌های جهانی: موانع حضور زنان در حکومت‌ها این سؤال را از جنبه‌های گوناگون و با نگاهی به حکومت‌های سراسر دنیا، از آمریکای شمالی تا شرق آسیا، بررسی می‌کنند. در فصل اول، دیدگاه‌ها موقعیت فعلی زنان و سایر کاندیداها را بررسی می‌کند، از کشورهای آفریقایی گرفته تا غرب و کشورهایی که بیشترین جمعیت مسلمان را دارند.

در فصل دوم، نویسندگان به این موضوع می‌پردازند که چه چیزی موجب نبود تنوع جنسیتی می‌شود، همین‌طور این سؤال را مطرح

می‌کنند که اگر دنیا زنان بیشتری بر مسند قدرت داشت چه شمایی پیدا می‌کرد. فصل سوم بر نقش جنسیت‌گرایی در دور نگه داشتن زنان از موقعیت‌های رهبری متمرکز است. شاید عجیب نباشد که چند دیدگاه در این فصل به این موضوع پردازد که چرا انتخاب یک رئیس‌جمهور زن در ظاهر برای ایالات متحده کار مشکلی به نظر می‌رسد. فصل آخر نگاهی به آینده دارد — به‌خصوص این موضوع که سهمیه‌ها چگونه می‌توانند در نهایت توازن جنسیتی را برای حکومت‌های دنیا به ارمغان بیاورند و نتایج آن چه می‌تواند باشد. در همه جای دنیا اتفاق‌های مثبتی در حال وقوع است، اما همان‌طور که این مقالات و دیدگاه‌ها نشان می‌دهند، زنان و سایر گروه‌های اقلیت راهی طولانی در پیش دارند تا اجازه یابند بار خدمت به مردم را در تناسب سیاسی به طور مساوی تقسیم کنند.



بخش اول

تنوع جنسیتی در
حکومت‌های سراسر دنیا

دیدگاه اول

در آفریقا، زنان در مبارزه برای برابری با موانع زیادی مواجه‌اند

جومیسای موتوم

ظرف یک دهه و نیم گذشته، زنان آفریقایی در عرصه برابری جنسیتی در رهبری قاره آفریقا به پیشرفت‌های شگرفی دست یافته‌اند. با این حال، بسیاری از زنان در آفریقا به شکل نامتناسبی با فقر دست‌به‌گریبان‌اند و هنوز برای برابری جنسیتی می‌جنگند. جومیسای موتوم در خلاصه مقاله‌ای که در ادامه می‌آید به مشکلات زنان آفریقا پرداخته و راه‌حل‌های احتمالی را نیز ارائه داده است. موتوم اهل زیمبابوه است و برای نشریه آفریکاریننیوال انتشارات سازمان ملل می‌نویسد که دفتر آن در نیویورک است.^۱

هنگام مطالعه متن، این سؤال‌ها را در نظر داشته باشید:

۱. بر اساس مطالب ارائه‌شده در این دیدگاه، چرا این مسئله به برابری بیشتری در سرتاسر قاره آفریقا منجر نشده است؟
۲. برخی از دلایل عمده ذکرشده مبنی بر این‌که زنان در کشورهای آفریقایی ظاهراً از مردها فقیرترند کدام‌اند؟
۳. چرا، به باور نویسنده، تنوع ملل آفریقایی پرداختن به مشکلات نابرابری را در آن‌جا سخت‌تر می‌کند؟

یک دهه قبل، به دنبال کنفرانس جهانی پرسروصدایی که برای تحول زندگی زنان در سراسر دنیا اهداف بلندپروازانه‌ای تعیین کرد، زنان

1. "African Women Battle for Equality," by Gumisai Mutume, United Nations Africa Renewal, July 2005. Reprinted by permission.



آفریقایی منطقه‌ای منتظر تغییراتی بودند. امسال دهمین سالگرد آن اتفاق مهم است، چهارمین کنفرانس جهانی زنان در ۱۹۹۵ در پکن چین برگزار شد. زنان آفریقایی نیز نظیر هم‌تایان خود در کشورهای دیگر به طور جدی به پیشرفت خود می‌اندیشند و سؤالشان این است که اصلاحات وعده داده‌شده چه مقدار اجرا شده است. موضوع بعدی این است که چرا پیشرفت در بسیاری از کشورها محدود شده و به دنبال راه‌هایی برای غلبه بر موانع هستند.

راشل مایانیا، مشاور ویژه سازمان ملل در امور جنسیتی و پیشرفت زنان، در بازنگری ده‌ساله کنفرانس پکن در نیویورک این مطلب را عنوان کرد که در طول سی سال اخیر نشانه‌های پیشرفت دیده شده است. وی گفت حرکت‌هایی به سمت اجرای «کنوانسیون حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان» (سی‌ای‌دی‌ای‌دبلیو)^۱ که تفاهم‌نامه سازمان ملل به شمار می‌رود، همین‌طور توسعه سیاست‌ها و راهبردهای نوین و ایجاد شبکه‌هایی از کارشناسان جنسیت تنها نمونه‌هایی از این اقدامات هستند. با این حال، با گذشت بیش از سی سال از اولین کنفرانس جهانی درباره زنان در مکزیکوسیتی، «مردان به ماه رفتند و برگشتند، ولی زنان

1. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Woman (CEDAW)

هنوز همان جایی که بودند هستند، این یعنی تلاش برای حساس کردن جهان در مقابل به‌حاشیه‌راندن ناروا و غیرقابل قبول زنان، که آن‌ها را از حقوق انسانی‌شان محروم می‌کند.» این حرف‌های خانم مایانیا بود که خطاب به نمایندگان ۱۶۵ کشور جهان زد.

زنان در چند سال اخیر، به‌ویژه در آفریقا، گام‌های مهمی در عرصه سیاسی برداشته‌اند. اتحادیه آفریقا (ای‌یو)، که حزب سیاسی قاره‌ای است، با اشاعهٔ برابری جنسیتی در سمت‌های عالی تصمیم‌گیری خود گام بلندی برداشته است. در سال ۲۰۰۳ پنج زن و پنج مرد به عضویت کمیسیون ای‌یو انتخاب شدند. سال بعد خانم گرتروود مونگلا به سمت سرپرست پارلمان پان‌آفریقای ای‌یو برگزیده شد، جایی که زنان ۲۵ درصد اعضای آن را تشکیل می‌دهند. سرپرست دیگر نهاد ای‌یو با عنوان افریکن پیر ریویو مکانیسم^۱ که کارش نظارت بر استانداردهای حکمرانی صحیح است، نیز خانم مری انجلیک ساوانه است.

زنان آفریقایی با موفقیت به توافقهایی نیز دست یافته‌اند که باعث ارتقای حقوقشان می‌شود. تا پایان سال اخیر، ۵۱ عضو از ۵۳ کشور عضو ای‌یو سی‌ای‌دی‌ای‌دبلیو را به رسمیت شناختند، کنوانسیون^۲ که در سال ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و اغلب به عنوان لایحه بین‌المللی حقوق زنان توصیف می‌شود. و در ۲۰۰۳ فعالان اجتماعی و سیاسی رؤسای دولت کشورهای خود را به تصویب تفاهم‌نامه حقوق زنان ترغیب کردند. اکنون آن‌ها در حال لابی با دولت‌ها هستند تا گام نهایی را بردارند و پروتکل را تصویب کنند تا قابل اجرا شود.

[...]^۲

فقر چهره‌ای زنانه دارد

برنامه اقدام پکن^۳ و پیمان‌های گوناگون بین‌المللی که حاکمیت کشورهای

1. the African Peer Review Mechanism

۲. قلاب افزوده متن اصلی است. — م.

3. the Beijing Platform for Action

آفریقایی پای آن‌ها را امضا کرده‌اند هنوز مانده تا به تغییرات مثبتی در زندگی روزمره بسیاری از زنان آفریقایی بینجامد. آن‌ها در پایین‌ترین موقعیت سلسله‌مراتب اجتماعی مانده‌اند، با کمترین میزان دسترسی به زمین، اعتبار، سلامتی و تحصیلات. با این‌که برخی از توافقی‌هایی که حکومت‌های آفریقایی به رسمیت شناخته‌اند حق مالکیت و ارث را محترم می‌شمارد، در بیشتر کشورها زنان دقیقاً از همین حقوق محروم‌اند. موقعیت زمانی وخیم‌تر می‌شود که عقب‌افتادگی‌هایی نظیر اچ‌آی‌وی/ایدز فراگیر، که در آفریقا سلامت زنان را بیشتر از مردان تهدید می‌کند، برخی دستاوردهای توسعه را که زنان به دست آورده‌اند زایل کند. در نتیجه، فقر در کشورهای آفریقایی همچنان چهرهٔ زنانه دارد، این گفتهٔ خانم گلادیس موتوکوا عضو سازمان غیردولتی زنان در قانون و پیشرفت در آفریقا مستقر در زیمبابوه (دبلیو‌آی‌ال‌دی‌ای‌اف) است. به اعتقاد او این‌که زنان آفریقایی با گذشت ده سال از کنفرانس پکن فقیرتر شده‌اند خیلی ناراحت‌کننده است.

بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، تعداد افرادی که در فقر به سر می‌برند در تمام مناطق روبه توسعه، بجز آفریقا، کاهش یافته، که در آفریقا این تعداد به بیش از ۸۲ میلیون نفر رسید. زنان اکثریت جمعیت فقیر آفریقا را تشکیل می‌دهند، یعنی در برخی کشورها حتی تا ۷۰ درصد. غالباً مردها راحت‌تر کار پیدا می‌کنند و شرکت‌هایی که صاحبان آن‌ها مرد هستند دسترسی بیشتری به حمایت مؤسساتی نظیر بانک‌ها دارند.

مطالعهٔ سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل دربارهٔ بنین، بورکینافاسو، کنگو، موریتانی، مراکش، نامیبیا، سودان، تانزانیا و زیمبابوه نشان می‌دهد که زنان به‌ندرت مالک زمین هستند. در مواردی که زنان مالکیت دارند، زمینشان کوچک‌تر و نسبتاً کم‌محصول‌تر از مردان است. مطالعات این را نیز نشان می‌دهد که چنانچه دسترسی زنان کشاورز به ورودی‌های کشاورزی و آموزش با مردان یکی بود، بازده کلی می‌توانست بین ده تا بیست درصد افزایش یابد.

مدرسه رفتن دختران

اما شاید مهم‌ترین عامل محدودکننده این است که زنان آفریقا را هنوز از تحصیل بازمی‌دارند، چیزی که غالباً تنها بلیت آن‌ها برای خروج از فقر است. نابرابری‌ها بین دخترها و پسرها از مدرسه ابتدایی شروع می‌شود و این تفاوت‌ها در کل سیستم آموزشی بسط می‌یابد. مجموع ثبت‌نام برای تحصیلات ابتدایی در آفریقا در دهه گذشته افزایش نسبی زیادی را در میان مناطق نشان داد. اما با توجه به نسبت اندک دخترهایی که در مدرسه ثبت‌نام کردند، این قاره هنوز از هدف دستیابی به برابری پذیرش تا پایان سال جاری فاصله زیادی دارد. در سال ۲۰۰۰ آفریقای سیاه بیشترین دختران بی‌سواد دنیا را داشت، ۲۳ میلیون دختر در آن به مدرسه نمی‌رفتند، یعنی از دهه پیش از آن، که ۲۰ میلیون نفر بود، بیشتر. تعداد کل بچه‌هایی که از تحصیل بازمانده‌اند در طول یک دهه اخیر کمتر شده است. بین ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، ثبت‌نام در مدارس ابتدایی در جهان از ۵۹۶ میلیون به ۶۴۸ میلیون رسیده، و بالاترین میزان افزایش در آفریقای سیاه بوده است، که رکورد ۳۸ درصد افزایش در آن ثبت شده است.

سیاست‌ها مخصوصاً آن‌هایی که دختران را هدف قرار می‌دهد موجب پیشرفت‌های قابل توجهی در کشورهای نظیر بنین، بوتسوانا، گامبیا، گینه، لسوتو، موریتانی و نامیبیا شد. مثلاً در بنین، به خاطر سیاست‌هایی نظیر آگاهی‌بخشی به والدین از طریق رسانه و کاهش هزینه‌های مدرسه برای دختران در مقطع ابتدایی مناطق بومی، شکاف جنسیتی از ۳۲ به ۲۲ درصد رسید.

سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی ملل متحد (یونسکو) گزارش می‌دهد که ثبت‌نام دختران به نسبت پسران افزایش یافته و همین‌طور تعداد معلمان زن نیز سیر صعودی داشته است. بنابراین روش مؤثر تضمین برابری جنسیتی برابرسازی توازن جنسیتی بین معلم‌هاست،

استراتژی‌ای که موریتانی برای کم کردن شکاف جنسیتی در مدارس ابتدایی به کار بست و این فاصله را بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ از ۱۳ درصد به ۴ درصد رساند.

گینه راهکار جامع‌تری را به کار گرفت، در اوایل دهه ۱۹۹۰ تحصیل دختران را اولویت ملی برشمرد. دولت بعد از ارزیابی چالش‌های پیش روی دختران در مدارس، به ساخت توالی عمومی، حمایت از دانش‌آموزان باردار، توزیع کتاب‌های درسی رایگان و افزایش تعداد معلمان زن مبادرت ورزید. تا سال ۲۰۰۰ تعداد دخترانی که در این کشور به مدرسه می‌رفتند دو برابر شد و تعداد حضور پسرها در مدرسه ۸۰ درصد افزایش یافت. اما در مجموع، آفریقا نسبت به مناطق دیگر کمترین معلمان زن را دارد.

موانع پرشمار دیگری نیز سد راه توسعه تحصیلات در آفریقا است. برنامه‌های ریاضتی در بسیاری از کشورها در دهه ۱۹۸۰ باعث کاهش سنوات تحصیلی شده است. دولت‌ها منابع مالی اندکی برای نگهداری مدارس موجود یا ساخت مدارس جدید دارند. خانواده که فقیرتر شد غالباً بحث اولویت تحصیل مطرح گشت و در بیشتر موارد این دختر بود که در خانه می‌ماند. هزینه‌های تحصیل، الزام به پوشیدن لباس یک‌شکل، فاصله طولانی بین خانه و مدرسه، کمبود آب و امکانات بهداشتی، همه و همه دست به دست هم می‌دهند و دستیابی دختران به تحصیل را محدود می‌کنند.

زمانی که بچه‌ها پا به دبیرستان می‌گذارند و به کالج می‌رسند، شکاف جنسیتی حتی از این نیز بیشتر می‌شود. وزرای دول آفریقایی که به منظور ارزیابی پیشرفت قاره آفریقا بعد از کنفرانس پکن در آدیس آبابا گرد هم آمدند اعلام کردند: «زنان در سطح سوم تحصیلات و سطوح دانشگاهی همچنان حضور کمتری دارند. شکاف جنسیتی خصوصاً در علوم پایه، ریاضیات و علوم کامپیوتر دیده می‌شود.»

چنان‌که در سایر موضوعات از لحاظ تاریخی مردانه نیز بدین منوال است، آمار سازمان بین‌المللی کار (آی‌ال‌او) نشان می‌دهد که زنان در واحدها و برنامه‌های فنی کالج‌های آفریقا کمتر حضور دارند. طبق گزارش‌های آی‌ال‌او سهم زنان در دوره‌های پلی‌تکنیک از ۴۰ درصد در گامبیا تا ۲ درصد در زامبیا متفاوت است. در غنا، با این‌که ۳۰ درصد تمام دانشجویان پلی‌تکنیک زن هستند، زنان صرفاً یک درصد کل جمعیتی هستند که دوره‌های فنی را انتخاب می‌کنند.

با این همه، آفریقا در میزان سواد بزرگسالان پیشرفت کرده و بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ این میزان به ۲۰ درصد رسیده است. هدف آن است که تا سال ۲۰۱۵ میزان سواد بزرگسالان کشور را از سطح سال ۱۹۹۰ به میزان ۵۰ درصد بالا ببرند. به گزارش یونسکو حدود نیمی از کشورهای آفریقای سیاه در زمینه برابری جنسیتی در همین منطقه پیشرفت متوسطی داشته‌اند. اما در برخی کشورها میزان بی‌سوادی زنان به مراتب بیشتر از میانگین منطقه‌ای آن یعنی حدود ۵۰ درصد است. این میزان در بورکینا فاسو حدود ۸۲ درصد، در سیرالئون ۷۹ درصد و در بنین و اتیوپی ۷۷ درصد است.

هدایت پول به سمت زنان

امروزه همگان این را قبول دارند که به منظور توانمندسازی زنان برای رهایی از فقر، سیاست‌های توسعه باید بر مشارکت آن‌ها در اقتصاد بیشتر تأکید کند. با این‌که زنان سهم چشمگیری از جمعیت فعال اقتصادی را تشکیل می‌دهند، مشارکت آن‌ها به طور کامل ثبت نشده چون عمدتاً درگیر کشاورزی خانوادگی بوده یا در بخش غیررسمی فعال‌اند. در باقی موارد، کارهایی که انجام می‌دهند، مثل کار خانه، فعالیت اقتصادی به حساب نمی‌آید.

در کشاورزی، که حیاتی‌ترین بخش اقتصاد آفریقای سیاه است،

زنان ۶۰ تا ۸۰ درصد کارگران تولید مواد غذایی را تشکیل می‌دهند، چه برای مصرف خانگی و چه برای فروش. اما با این‌که بیشتر کار را آن‌ها انجام می‌دهند، به بازارها و اعتبار دسترسی ندارند. در اوگاندا زنان ۵۳ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند، اما فقط ۱۱ درصد آورده نقدی حاصل از فروش محصولات نصیبشان می‌شود.

نتومبو نادى ندایتوا، وزیر امور زنان نامیبیا، می‌گوید: «قویاً معتقدم از روزی که بشر به یاد دارد زنان نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورشان بازی کرده‌اند و هنوز هم این نقش را ایفا می‌کنند. اما متأسفانه نادیده گرفته می‌شوند، نه کسی قدرشان را می‌داند نه برای کار سختی که انجام می‌دهند پاداشی دریافت می‌کنند.» او می‌گوید هر کشوری باید درصدی از بودجه ملی خود را به موضوعات جنسیتی اختصاص بدهد. «این درخواست بر اساس این واقعیت است که تاکنون هیچ کشوری بیش از یک درصد بودجه ملی خود را به زنان و موضوعات جنسیتی اختصاص نداده است.» در حال حاضر منابع مالی برنامه‌های ملی پیشرفت زنان را عمدتاً شرکای خارجی تأمین می‌کنند. خانم جوزفین اوئه‌دراوگو عضو کانون زنان آفریقا در آدیس آبابا می‌گوید سهم زنان در اقتصاد خانوار، که بیش از ۷۰ درصد غذا در آفریقا را فراهم می‌کنند، به میزانی که باید در آمار ملی به حساب نیامده است. وی می‌گوید: «کمتر از ۱۰ درصد کشورهای آفریقایی بررسی‌های نظام‌مند برای مقدار زمان مصرفی یا کار در خانه دارند.» این موضوع شناسایی نابرابری‌های جنسیتی بین زن و مرد و برنامه‌ریزی برای اتخاذ سیاست‌های جبرانی را مشکل می‌کند.

به جبران سوگیری جنسیتی در سیاست‌های کلان اقتصادی که به نفع مردها و پسرها و به ضرر زن‌ها و دخترها وضع شده، تعدادی از کشورهای آفریقایی به ابزاری به اسم بودجه‌بندی جنسیتی رسیده‌اند. کنیا، رواندا، آفریقای جنوبی، تانزانیا و اوگاندا از جمله کشورهایی

هستند که به طور متداول بودجه خود را در امتداد مرزبندی‌های جنسیتی ارزیابی می‌کنند. با این کار تحلیل انتخاب هزینه‌های دولت و تأثیر آن بر زنان و مردان، پسرها و دخترها، با هدف شناخت بهتر نابرابری‌ها نیز رخ می‌دهد و در مقابل می‌تواند به برانگیختن سرمایه‌گذاری بیشتر برای کم کردن فاصله‌ها کمک کند، مثلاً با برنامه‌ریزی برای کاستن از بار زمان طولانی کار زنان یا با بهبود دسترسی آن‌ها به انرژی، آب، حمل‌ونقل و فناوری‌های کاهنده کار.

در جلسه‌ای که در آوریل ۲۰۰۴ برای بررسی پیشرفت زنان از زمان کنفرانس پکن برگزار شد، نهادهای غیردولتی (ان‌جی‌اوها) جامعه توسعه کشورهای جنوب آفریقا (اس‌آی‌دی‌سی) از چهارده کشور عضو خود خواستند تا بودجه‌بندی جنسیتی را تا دسامبر ۲۰۰۶ اتخاذ کنند.

سیاست تأثیرگذار

تقریباً تمام کشورهای اس‌آی‌دی‌سی یک نهاد دولتی ملی دارند که به موضوعات جنسیتی می‌پردازد. ان‌جی‌اوها در بنیاد اجتماعی آفریقا در لوزاکا، زامبیا، اعلام کردند در ۱۰ سالی که از کنفرانس پکن می‌گذرد، این واحدها، ادارات یا وزارتخانه‌ها «ضعیف شده‌اند و نتوانسته‌اند پاسخگوی چالش‌های تلاش برای دستیابی به عدالت جنسیتی باشند. ضعف منابع مالی، کمبود امکانات و نبود قدرت یا اقتدار درون دولت به منظور پیشبرد برابری و عدالت برای زنان تنها نمونه‌هایی از این موانع و محدودیت‌هاست.»

با این حال زنان در برخی از کشورهای آفریقایی جنوبی به سمت موقعیت‌های قدرتمند سیاسی رفته‌اند. مثلاً زنان جنوب آفریقا و موزامبیک ۳۰ درصد کرسی‌های مجلس را از آن خود کردند. در فوریه ۲۰۰۴، موزامبیک اولین کشور منطقه شد که یک زن در آن به نخست‌وزیری رسید، خانم لویزا دیوگو. در رواندا، زنان بیشترین

میزان حضور در مجلس ملی در جهان را به دست آوردند. در آنجا، ۴۹ درصد کرسی‌های مجلس در اختیار زنان است، بسیار بیشتر از ۳۰ درصد هدفی که در کنفرانس پکن تعیین شده بود. میانگین این میزان در دنیا فقط ۱۵ درصد است.

در ۱۴ انتخابات از ۲۳ انتخابات اخیر در کشورهای آفریقایی، زنان میزان حضور خود را در مجلس افزایش دادند. با این وصف، این موقعیت هنوز از وضعیت ایدئال خیلی دور است. در غالب این کشورها (۲۰ کشور)، زنان ۱۰ درصد کرسی‌های مجلس یا کمتر از آن را در اختیار دارند. مثلاً در ماداگاسکار، موریتانی و نیجر، کمتر از ۵ درصد کرسی‌ها از آن زنان است. در برخی کشورها، حضور زنان در پارلمان در اتخاذ سیاست‌های حساس به جنسیت تأثیرگذار بوده است. به دلیل فشار از طرف زن‌ها، برخی کشورها سیاست‌های جبرانی نظیر سهمیه وضع کرده‌اند تا تعداد زنان در موقعیت‌های تصمیم‌گیری افزایش یابد. زنان نماینده مجلس در جنوب آفریقا در وضع قوانین گوناگون نظیر قانونی کردن سقط جنین، مبارزه با خشونت خانگی و تضمین حمایت از کودک به موفقیت دست یافته‌اند.

در اوگاندا، زنان نماینده مجلس به تصویب لایحه‌ای کمک کردند که تجاوز را مستوجب اشد مجازات به حساب می‌آورد. در سال ۲۰۰۳، به دنبال تأخیری طولانی، موزامبیک قانون خانواده‌ای را وضع کرد که برای رهایی زنان در آن کشور بسیار حیاتی و ضروری به حساب می‌آمد. خانم لیدیا بریتو وزیر تحصیلات تکمیلی این کشور می‌گوید: «اگر مجلس تک‌جنسیتی داشتیم، لوایح ضعیف‌تر می‌شدند.»

خانم واریارو مبوگوا عضو دفتر مشاور ویژه در مسائل جنسیتی سازمان ملل می‌گوید از آن‌جا که این قاره بسیار متنوع است، مشکلاتش بسیار پیچیده‌اند. «بنابراین، در مباحثات جهانی نباید آن‌ها را ساده برشمرد یا تا حد ویژگی‌های مشترک تقلیل داد.» مثلاً دخترها هم نیاز به تحصیلات ابتدایی دارند، هم باید در مقابل خشونت و رفتارهای آسیب‌زننده از آن‌ها محافظت کرد.

خانم مبوگوا می‌گوید در حالی که استراتژی‌های پایه‌ای برای بیرون کشیدن زنان از فقر باید ادامه یابد و اچ‌آی‌وی/ایدز مهار شود، «مهم است که استراتژی‌هایی برای نسل‌های دوم و سوم در جای خودش به کار گرفته شود.» از جمله تضمین این‌که باید قراردادهای تجاری جهانی و تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات جدید برای زنان منافع آنی داشته باشد. وی می‌گوید توانمندسازی زنان نباید به بخش‌های کوچکی در داخل کشور محدود شود، بلکه باید «مشارکت برابر زنان در روندهای سریع جهانی را تضمین کند».

«برابری هنوز به واقعیت تبدیل نشده است»

از ۲۸ فوریه تا ۱۱ مارس ۲۰۰۵، به عنوان بخشی از چهل‌ونهمین اجلاس کمیسیون سازمان ملل دربارهٔ موقعیت زنان، بیش از ۸۰ وزیر، ۱۸۰۰ نمایندهٔ دولت و ۲۶۰۰ نماینده از سازمان‌های غیردولتی ۱۶۵ کشور در نیویورک گرد هم آمدند تا عملکرد ده‌سالهٔ بیانیه و برنامهٔ اقدام پکن را ارزیابی کنند.

خانم کارولاین هانان، رئیس بخش پیشرفت زنان سازمان ملل،^۱ گفت: «ده سال بعد از کنفرانس پکن، این بررسی توجه ما را به حوزه‌های بسیاری جلب می‌کند که در آن برابری زنان هنوز به واقعیت نپیوسته — ادامهٔ خشونت گسترده علیه زنان در همه جای دنیا از جمله درگیری مسلحانه، افزایش ابتلا به اچ‌آی‌وی/ایدز در میان زنان، نابرابری جنسیتی در استخدام، فقدان حقوق سلامت جنسی و باروری و عدم دسترسی قانونی یکسان به زمین و دارایی تنها چند مورد از موارد موجود هستند.» در این جلسه بیانیه‌ای صادر شد که در آن خواستار «اجرای کامل

۱. نهاد سازمان ملل متحد برای برابری جنسیتی و قدرت بخشیدن به زنان یا به اختصار «زنان سازمان ملل» از جمله نهادهای زیرمجموعهٔ سازمان ملل متحد است که در رابطه با حقوق زنان فعالیت می‌کند. این نهاد در پی مجموعه تلاش‌های سازمان ملل در زمینهٔ مبارزه با تبعیض جنسیتی در سراسر جهان تشکیل شد. — م.